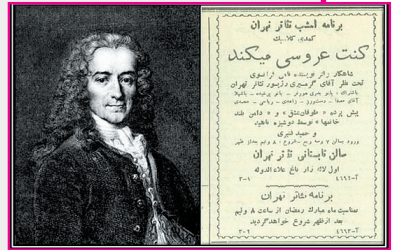


تقویم ادب و هنر به روایت یک قرن انتشار روزنامه اطلاعات - ۶۴

نمایشنامه کمدی «ولتر» در تئاتر تهران

۱۹ تیر ۱۳۳۷



برنامه نمایش تئاتر تهران کمدی «ولتر» نمایشنامه کمدی «کانت عروسی می کند» اثر ولتر ترجمه و اقتباس از حسن فرازمند

درچنین روزی دراعلانی درجریده اطلاعات اعلام شد که نمایش کمدی «کنت عروسی می کند» شاهکار ولتر، نویسنده نامی فرانسوی، تحت نظر آقای گرمسیری رئیس‌جمهور تئاتر تهران با شرکت بانوبدردی هورفر- بانو پرخیده بانو شهلا- آقای مصفا- دست ورز- زاهدی ومحمدی اجرامی شود. همچنین در ادامه این اعلان، خاطر نشان شده که پیش پرده «طوفان عشق» و «دامن بلند خانم ها» توسط دوشیزه ناهید وحید قبری در سالن تئاتر تهران اجرا می شود. بد نیست که به این بهانه نگاهی کوتاه به زندگی ولتر و آثار او باندازیم. «فرانسوا ولتر» از نامدارترین دانشمندان و نویسندگان عصر روشنگری است. آوازه وی به خاطر هوشیاری خارق العاده اش، مخالفت هایش با کلیسای کاتولیک، حمایتش از آزادی مذهب، آزادی بیان و جدایی دین از سیاست و شجاعتش در بیان نظریه های بی پرده است. تمام شور زندگی وی در جستجوی عدالت بود.

ولتر در تمام سبک های ادبی و نوشتاری، از جمله نمایشنامه، شعر، رمان، مقاله ونوشته های تاریخی و علمی دست داشت. وی بیش از ۲۰ هزار نامه و بیش از ۲ هزار کتاب و کتابچه نوشت. او مثل خیلی از متفکران عصر روشنگری، در آثارش اکثراً به نقد عدم مدارا، تعصب مذهبی و ساختار قدرت در فرانسه عصر خود می پرداخت. وی در هفت سالگی مادر خود را از دست داد و در یک خانواده مذهبی بزرگ شد. در مدرسه لوئی کبیر به وسیله عیسویان تعلیم دید و در آنجا زبان لاتین و یونانی فرا گرفت و بعدها در زمان زندگی هم ایتالیایی، اسپانیایی و انگلیسی به طور روان یاد گرفت. فرانسوا که از زمان بچگی روح عصیان گری در نهادش ظاهر بود، بر خلاف میل پدر که می خواست حقوقدان شود، نویسندگی را پیش گرفت و به انجمنی به اسم «تمپل» پیوست و بعد به شاعری یکی از قضات دادگستری فرانسه درآمد. ولتر در سال ۱۷۱۸ نخستین تراژدی خود را منتشر ساخت و بعد از چندی جایزه آکادمی فرانسه به وی تعلق گرفت. در سال ۱۷۱۵ نیز آشناری برضد فیلیپ دوم از خاندان اورلیان سرود که سبب حبس شدن وی در باستیل شد. او در دوران زندان، اسم مستعار ولتر را برای خود برگزید. مدت یازده ماه در زندان بود، ولی سرانجام با سعی دوستان و هوادارانش رهایی یافت.

اجرای نمایشنامه «انتقام» زیر نظر آسیا قسطنطینیان

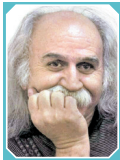
۱۰ تیر ۱۳۳۷

درچنین روزی در دواعلان بهمیوسته اعلام شد: نمایشنامه «انتقام» یا خانواده فاشنده، پس اخلاقی و اجتماعی، در چهار پرده زیر نظر رئیس‌جمهور معروف و مادام آسیا قسطنطینیان در سالن تماشخانه فرهنگ اجرای می شود. بد نیست

به این بهانه توضیحی درباره «مادام آسیا قسطنطینیان» بدهم که او را در فیلم «حاجی آقا آکتورسینما» ساخته اوانس اوگانیاس دیده ایم.

آسیا قسطنطینیان با تلفظ صحیح ترانسیا گوستایان، از ارمنی‌های گرجستان بود. در تقلیس زاده شد. پدرش (میکائیل / میشا) و خانواده اش (مادرش مارکارید مامیکویان، برادرش مالودیا، و خواهرش آنا) همه اهل تاتار بودند. آنها در سال ۱۲۹۹ خورشیدی که به ایران مهاجرت کردند، به مدت سه دهه (با وقفه‌هایی) به تاتار ایران رونق بخشیدند. در طول اقامت آنها در کشورهای خاورمیانه، آسیا قسطنطینیان در چند فیلم بازی کرد. از جمله در قاهره در فیلمی به نام «عشق به بغداد» نقش پرزن نازلی را برعهده گرفت. قسطنطینیان‌ها به سال ۱۳۱۰ بار دیگر به ایران بازگشتند و فعالیت‌های هنری خود را ادامه دادند. در سال ۱۳۱۲ که اوانس اوگانیاس می‌خواست فیلم «حاجی آقا آکتورسینما» را بسازد، با توجه به تجربه بازیگری آسیا قسطنطینیان، ایفای نقش پروین را به او واگذاشت. پدرش با کلاس‌هایی که برای آموزش تئاتر تشکیل می‌داد، گروه‌هایی تئاتری که به وجود آورد و نخستین اجراهایی که از نمایشنامه‌های کلاسیک دنیا (از جمله اتلوی شکسپیر) عرضه کرد، از پیشگامان تئاتر معاصر ایران محسوب می‌شود و مادرش نیز با صحنه گردانی نمایش «زن مخوف» در سال ۱۳۲۰، نخستین کارگردان زن تئاتر در ایران شد. از فعالیت‌های تئاتری خانواده قسطنطینیان پس از اجرای نمایش «مادام ایکس» در سال ۱۳۲۸ در سینما تاج آباد و اجرای نمایش «ملیکی آقچیک» در سال ۱۳۲۹ در سالن کالج ارمنیان شهر کلکته، هیچ اطلاعی در دست نیست.

در دومین اطلاعیه همچنین آمده است که یک کنسرت توسط «کولت فرانس»، «ویولنیست فرانسوی، به همراهی پیانوی «بیخوتوماس» به اجرای برنامه‌هایی از ایتالیایی، مورار، راول و دوفایا را اجرا می کنند.



حسن فرازمند

دیدار وزیر فرهنگ هندوستان از کتابخانه ملی ایران و استاد فروزانفر

۱۹ تیر ۱۳۳۰

درچنین روزی اعلام شد که آقای «ابوالکلام آزاد» وزیر فرهنگ هندوستان، در سفر به ایران از کتابخانه ملی ایران دیدن کرد. در این خبر آمده است: «وی در کتابخانه ملی مورد استقبال قرار گرفت و توضیحات لازم از طرف کتابداران به اطلاع وی رسید. وی همچنین در این فرصت با استاد بدیع الزمان فروزانفر دیدار و گفتگو کرد.»

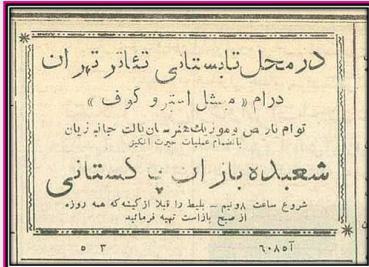
لازم به توضیح است که ابوالکلام آزاد، شاعر، سخنور، سیاستمدار و مفسر قرآن بود که مدتی رهبری حزب کنگره ملی هند را به عهده داشت و جوان‌ترین رهبر این حزب بود. نخستین وزیر فرهنگ هند، بعد از استقلال و از رهبران طراز اول جنبش استقلال هندوستان بود. او پایه‌گذار بسیاری از مدارس و دانشگاه‌های هند به‌شمار می‌آید.

ابوالکلام آزاد در سال ۱۸۸۸ میلادی در خانواده‌ای فارسی‌زبان اهل هرات به نام «فیروزبخت» در شهر مکه به دنیا آمد و در سال ۱۸۹۸ به همراه پدرش مولوی خیرالدین، از علمای سرشناس خراسان، به هندوستان کوچ کرد. مادر او دختر شیخ محمد ظاهر وطری، از علمای مدینه بود. ابوالکلام بعد از بازگشت از مکه، در حالی که ده - یازده ساله بود، به همراه پدرش در شهر کلکته باشنده گردید. وی سخنرانی زبردست و در گفتار بیان شیوایی داشت که بزودی آوازه او در میان مسلمانان پیچید.

وی مسؤولیت مجلاتی چون «الهیال» و «البلاغ» را برعهده داشته‌است و در آنها دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان وقت، چون سید جمال الدین اسدآبادی را می‌نگاشته‌است. او یکی از برجسته‌ترین رهبران مسلمان هند بود که بر هماهنگی و همبستگی هندوها و مسلمانان پافشاری می‌کرد و با جدایی مسلمانان هندوستان و تشکیل پاکستان مخالف بود. با استقلال هند، او به سمت وزیر فرهنگ و آموزش هند رسید.

اجرای تئاتر «میشل استروگف» در تئاتر تهران

۱۹ تیر ۱۳۳۳



درچنین روزی اعلام شد که: «درام میشل استروگف به همراه رقص و موزیک هنرستان باله جانبازان به انضمام عملیات حیرت انگیز شعبده بازان پاکستانی درمحل تابستانی تئاتر تهران اجرا می شود.»

فیلم فرانسوی «دختر زنگاری» در سینماهای تهران

۱۹ تیر ۱۳۳۵



درچنین روزی دراعلانی درجریده اطلاعات اعلام شد: «در دوستیما درجه اول پایتخت، سینما متروپول و سینما تهران، بزرگترین شاهکار پلیسی و جنایی فصل را به نمایش می گذارد. دختر زنگاری، اقتباس از «پیتروچی نی» نویسنده بزرگ معاصر اکران می شود. در این فیلم، ادی کنستانتین (هنرپیشه معروف آمریکایی که در سایر ممالک اروپا به هنرمند غیرقابل رقابت مشهور شده)، دوینینگ ویلیمز ستاره سینما که اولین بار در ایران به روی پرده رفت و رقیب سرسخت سوفیا لورن شد و به جینالولوبریچیدا معروف گشته است) شرکت دارند.»



محمد صالح علا

مردی که دوبار کور بود!

معمولاً برخی مردم نابینا هستند. اما مردی بود که دو نابینایی داشت. به همین خاطر هنگامی که از مردم کمک می‌خواست، می‌گفت: مردم، به من دو بار کمک کنید. زیرا من دو بار کورم!

گفتند: تو از چشم کوری، ولی یعنی چی که من دو بار کورم؟ گفت: کوری دیگرم این است که من مردی بد صدایم. پس از شما درخواست دو کمک دارم. زشت آواز



به هر جا می‌رود، مایه خشم و کین می‌شود. پس بر دو کوری، رحم را دو تا کنید. پس این مرد نابینای واقع‌بین، مقرر به نقص خود بود و حقیقت خویش را می‌نمود. آوازی از او برخاست و آن صدای زشتش را آوازی زیبا و لطیف ساخت. مردم هم از این حقیقت گویی، دل به او دادند که هر وقت کسی به زشتی خود اعتراف کند، مردم دست بر سر زشتی او بکشند و او را به زیباترین‌ها مبدل کنند. پس برای نجات خود از سقوط، تا دیر نشده، خرده‌های غرور را برگردان و زشتی‌هایت را به آب اعتراف بشوی. صاف و راست باش. از حالت حیلۀ روباهی و گرگی باز گرد.

بود کوری کو همی گفت الامان

من دو کوری دارم ای اهل زمان
پس دوباره رحمتم آرید، هان
چون دو کوری دارم و من در میان
گفت یک کوریت می‌بینیم ما
آن دگر کوری چه باشد، و انما
گفت زشت آوازم و ناخوش نوا
زشت آوازی و کوری شد دو تا
بانگ زشتم مایه غم می‌شود
مهر خلق از بانگ من کم می‌شود
زشت آوازم، به هر جا که رود
مایه خشم و غم و کین می‌شود
بر دو کوری، رحم را دو تا کنید
این چنین ناگنج را گنجا کنید
زشتی آواز کم شد زین گله
خلق شد بر وی به رحمت یکدله
کرد نیکو چون بگفت او راز را
لطف آواز دلش آواز را
وانک آواز دلش هم بد بود
آن سه کوری دوری سرمد بود
لیک وهابان که بی‌علت دهند
بوک دستی بر سر زشتش نهند
چونک آوازش خوش و مظلوم شد
زو دل سنگین دلان چون موم شد
نالۀ کافر چو زشت است و شهیق
زان نمی‌گردد اجابت را رفیق
اخسوا بر زشت آواز آمده ست
کو ز خون خلق چون سگ بود مست
چونک نالۀ خرس رحمت کش بود
نالۀات نبود چنین ناخوش بود
دان که با یوسف تو گرگی کرده‌ای
یا ز خون بی‌گناهی خورده‌ای
توبه کن، و ز خورده استغراغ کن
ور جراحت کهنه شد، رو داغ کن
«دفتر دوم مثنوی»